

شرق روزنامه

نگاره

سومین تحول تاریخی در جهان

عاطف القمری

علمای سیاست – کسانی که نظارت‌شان را از تجارب واقعی و تحولات نظام جهانی می‌گیرند – بر این اتفاق نظر دارند ما در مرحله تازه‌ای از نظام بین‌الملل قرار داریم. در این مرحله دیگر کشورها و دولت‌ها صرفا ابزاری در دست ابرقدرت‌ها نیستند که به هر شکل بخواهند آنها را حرکت داده یا حتی بر رفتار آنها نظارتی دقیق داشته باشند، زیرا آنچه در مرحله جدید به وجود آمده یک نظام بین‌المللی واقعی است که با سایر نظام‌های تاریخی گذشته تفاوت‌های اساسی دارد.

یکی از کسانی که تحولات جاری را به‌صورتی گسترده رصد کرده، «فرید زکریا»، متفکر هندی‌تبار آمریکایی، است که در کتاب خود «جهان پس از آمریکا» آن را به رشته تحریر درآورده است. این کتاب مرجع بسیاری از کسانی است که پس از او تحولات جاری جهان و وضعیت آینده آمریکا را دنبال می‌کند. به نظر آنها، تحولاتی که تاکنون به وقوع پیوسته با وجود بحث‌هایی که درباره‌شان شده، همچنان نیازمند درک جدیدی است. اینها معتقدند بارقه‌های یک جهان جدید مشاهده می‌شود؛ جهانی که هرگز شبیه آن چیزی که می‌شناختیم، نیست و حتی بی‌نهایت با آن تفاوت دارد.

به نظر زکریا، جهان در ۵۰۰ سال گذشته تاکنون سه تحول بنیادین را بین قدرت‌های بین‌المللی تجربه کرده است. اول «ظهور جهان غرب» است که از قرن پانزدهم میلادی شروع شد و به‌سرعت تا اواخر قرن هجدهم ادامه پیدا کرد. این روند به سیطره طولانی مدت کشورهای غربی بر جهان منجر شد.

دومین تحول، با پایان قرن هجدهم شروع شده و با «ظهور ایالات متحده» ادامه می‌یابد که توانمندی‌های تبدیل‌شدن به قوی‌ترین دولت جهان را پیدا کرد. در این دوره آمریکا به لحاظ سیاسی، علمی، فرهنگی و اقتصادی بر جهان مسلط می‌شود.

سومین تحول در عصر حاضر به وقوع پیوسته و ما هم‌اکنون در بطن آن زندگی می‌کنیم، در این عصر دولت‌هایی که روزگاری کوچک به شمار می‌رفتند به طرز بی‌سابقه‌ای از نظر اقتصادی رشد کرده و ابتدا در آسیا به ظهور رسیدند. اما این روند در چار چوب مرزهای جغرافیایی دولت‌های آسیایی باقی نماند و به دولت‌های دیگری در آمریکای لاتین و آفریقا نیز سرایت کرد.

بحثی در این نیست که در چنین کشورهایی باوجود داشتن شکوفایی و رفاه، هنوز صدها میلیون انسانی زندگی می‌کنند که در شرایط فقر به سر می‌برند یا میزان درآمدهای یک فرد پایین بوده و تلاش می‌شود تا به‌مرور بهبود پیدا کند؛ به‌ویژه در کشورهایایی که حدود ۸۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند.



قطعا رشد اقتصادی، نیروی محرک نیرومندی برای تبدیل‌شدن این دولت‌ها به بازیگرانی در نظام بین‌الملل آتی خواهد بود. همچنین توزیع دوباره قدرت (با همه ابعاد صنعتی، پولی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی) در سطح جهانی نیازمند آن خواهد بود که این دولت‌ها از زیر سایه آمریکا خارج شده باشند. ما درحال گذار از «قرن آمریکایی» – که خیلی هم طولانی بود – به جهان دیگری هستیم که از نقاط مختلف و با اراده ملت‌های متنوع مدیریت می‌شود و این جوهر تحولات آینده است.

صرف‌نظر از این نظریات، با به‌طور خاص، انتظارات مبتنی بر تحلیل‌های سیاسی نشست‌گرفته از تجارب واقعی، دلایل دیگری در دسترس هست که نشان می‌دهد چه چیزی این تحولات را به پیش می‌برد. یکی از مهم‌ترین آنها خطاهای متعددی بود که به تازگی سیاست خارجی آمریکا مرتکب شده است. این امر موجب شده تا آمریکا زمام امور را از دست داده و دیگر قادر به پیشبرد آنها در سطح جهانی نباشد؛ یا به دلیل برداشتهای غلط آمریکا از تحولات و پیامدهای آینده‌شان یا از همه مهم‌تر شکاف بین نخبگان آمریکایی، زیرا یکا طرفدار دست‌کشیدن از اصل سلطه آمریکا بر جهان بوده و دیگری با داشتن برداشت جدیدی از جهان، خواستار تغییر سیاست خارجی آمریکا می‌شود تا با این تحولات تاریخی تصادم نکند. یکی از این افراد هنری کیسینجر است که می‌گوید انتظار دارد آمریکا نیز در نظام جهانی آینده یکی از مجموعه‌های قوی و مساوی باشد. تردیدی در این وجود ندارد که منبع الهام دانشمندان علوم سیاسی و نظریه‌پردازان‌شان تجارب ۲۰ سال گذشته است؛ از جمله موفقیت دولت‌هایی که در توسعه اقتصادی پرش‌هایی داشتند و پس از آن توانستند در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای به جایگاه تازه‌ای دست یابند. همین روند موجب می‌شود تا آنها خواستار ایفای نقش در نظام بین‌الملل باشند. اینها همه مسائلی است که با معیارهای مربوط به سومین تحول در نظام جهانی انطباق دارد. به این معنا که رشد اقتصادی متکی بر نوآوری و ابتکارهای رقابتی درحال‌حاضر موتور محرک قدرت‌گرفتن هر دولتی بوده و می‌تواند جایگاه و نفوذش را در عرصه بین‌المللی که در حال تأسیس است، تثبیت کند.

منبع:الخلیج

روزنه

سمت‌وسوی سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ

کمی بیش از یک ماه به ورود رسمی «دونالد ترامپ» به کاخ سفید مانده است و کماکان بحث درباره علل پیروزی او در انتخابات و گمانه‌زنی‌ها درباره آینده روابط دولت او با دیگر کشورها ازجمله کشورهای خاورمیانه ادامه دارد. اینکة معیارهای سیاست‌گذاری خارجی ترامپ چگونه خواهد بود و تصمیم‌گیرندگان در عرصه این سیاست چه کسانی خواهند بود، به‌درستی معلوم نیست. او در جریان کارزار انتخاباتی خود در ارتباط با سیاست خارجی و دفاع، به نکاتی از جمله بازگرداندن احترام به آمریکا در سراسر جهان، تقویت بنیه دفاعی کشور، پرهیز از ملت‌سازی در خارج و به‌جای آن تمرکز بر حل مشکلات داخلی، حمایت بیشتر از اسرائیل، شکست نظامی داعش، پاره‌کردن توافق هسته‌ای با ایران، حل مسئله سوریه، برقراری روابط نزدیک با روسیه، مشروط‌کردن کمک‌های آمریکا به ناتو، کشیدن دیوار مرزی بین آمریکا و مکزیک و بازنگری روابط تجاری آمریکا با چین تأکید کرد.
بالبین‌همه، فقدان تجربه دونالد ترامپ در مسائل سیاسی، امور خارجه و کارهای دولتی، کار گمانه‌زنی را درباره سمت‌وسوی سیاست خارجی او مشکل‌تر می‌کند؛ به‌ویژه که او پس از پیروزی در انتخابات، شماری از مواضع خود را تغییر داده یا تعدیل کرده است. ازاین‌رو، همان‌گونه که تابه‌حال شاهد آن بوده‌ایم، پیش‌بینی می‌شود که برخی از قول‌های دونالد ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی‌اش درباره سیاست خارجی تعدیل شود، به‌ویژه اینکة اجرای سیاست خارجی شگردهای متفاوتی را در مقایسه با اجرای سیاست داخلی می‌طلبد، ازجمله توضیح قانع‌کننده برای جلب همکاری سایر کشورها چانه‌زنی برای رسیدن به نقطه مشترک با تشویق طرف مقابل و در مواردی با تهدید برای قبول شرایط، فشارهای اقتصادی و جلب مستقیم پشتیبانی مردم کشور مورد نظر. درمجموع انتخاب دونالد ترامپ سردرگمی و نگرانی تازه‌ای را در خاورمیانه و نواحی نقاط دنیا ایجاد کرده است. او دمدمی است و رفتارش در عرصه سیاست نه کلیشه‌ای و قالبی است و نه پیش‌بینی‌پذیر. به قول «نوام چامسکی»، فیلسوف

و زبان‌شناس آمریکایی، یکی از خصلت‌های پیش‌بینی‌پذیر دونالد ترامپ، پیش‌بینی‌ناپذیر بودن او است.
بالبین‌همه، به نظر نمی‌رسد دولت ترامپ با توجه به درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی درهم‌تنیده خاورمیانه که در سال‌های اخیر نیز بدتر شده است، مانند «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا، به مدیریت بحران بسنده کند. خاورمیانه کماکان به دلایل استراتژیکی، امنیتی و اقتصادی برای آمریکا اهمیت بسزایی دارد و پیش‌بینی می‌شود که سیاست آمریکا در قبال کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به نحوی چشمگیر تغییر کند. این تغییر با بهره‌گیری بیشتر از نیروی نظامی با تقویت فعالیت‌های دیپلماسی و تعاملات اقتصادی توأم خواهد بود و چه‌بسا که در سطح وسیع‌تر، سیاست خارجی آمریکا به طرف کی سیاست ارتش‌سالارانه (میلیتاریستی) سوق داده شود. سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ، برخلاف سیاست اوباما که بر حزم و احتیاط استوار بود، تقابلی و تا حد زیادی به نیروی نظامی تکیه خواهد کرد. اوباما با فروش سلاح و تجهیزات نظامی بی‌سابقه به اغلب کشورهای دوست و هم‌پیمان منطقه، به‌ویژه به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، با تقویت توان نظامی‌شان، رهبران آنها را مجبور کرد که نقش بیشتری را برای دفعاع از خود در مقابل تهدیدات خارجی برعهده بگیرند.



«ایاد علاوی» معاون رئیس‌جمهور عراق؛

بغداد طرحی برای بعد از آزادی موصل ندارد

اینها را قبول ندارم و خودم هم به‌دنبال آن نبوده‌ام. من هیچ بدیلی برای نهادهای حرفه‌ای دولت به‌خصوص نیروهای مسلح با تمام اشکال آن و یک قوه قضائیه مستقل نمی‌شناسم. یک سرباز در خط دفاع از عراق و امت عربی هستم.

بن‌بست

❧ **آیا روند سیاسی در عراق به بن‌بست رسیده است؟**

به باور من، عراق در آستانه رسیدن به بن‌بست است. نبرد موصل تعیین‌کننده خواهد بود. هرچند اطمینان خاطر دارم که ملت قهرمان ما اجازه نخواهند داد که شکست بخوریم. میلیون‌ها عراقی فریاد می‌زنند: «نه به طایفه‌گرایی، نه به سهمیه‌بندی و آری به دولت شهروندی و آری به حساب‌کشی از مفسدان». حتی مراجع بزرگ دینی نیز خواستار اجرای اینها هستند.

❧ **آیا فکر نمی‌کنید عراق از محیط عربی خود دور شده و زبان دیده است؟**

به نظر من جواب این سؤال بله است. موضع من همیشه بازگرداندن عراق به دامن محیط عربی‌اش بوده است. هنگامی که نخست‌وزیر بودم با ❧ **الان این رابطه را چگونه می‌بیند؟**

بعضی‌ها در عراق با کشورهای عرب اختلاف دارند و معتقد به داشتن رابطه‌ای با آنها نیستند، این در حالی است که برخی از کشورهای عرب سال‌ها پیش تا اواخر سال ۲۰۰۵ و تا امروز از مخالفان دوران صدام حمایت کرده‌اند. به نظرم ضرورت دارد عراق همچنان در محیط عربی خود باقی بماند و با کشورهای عربی– اسلامی روابط نزدیکی داشته باشد. امیدوارم عراق پلی بین این کشورها باشد. اما متأسفانه الان روابط عراق با محیط عربی‌اش منفی است. البته عراق باید روابطش را با کل کشورهای جهان توسعه دهد و حتی برای حل مشکلات منطقه و همسایگان آستین بالا بزند.

 	 	 	 	 	
وضعیت موصل بسیار حساس است					
و نبرد در آن با نبرد در «الانبار» و «صلاح‌الدین» و... تفاوت دارد. بله درست است که تابه‌حال پیشرفت‌های نظامی حاصل شده است اما بدون تحقق پیروزی‌های سیاسی نمی‌توان بر تروریسم غلبه پیدا کرد. ما بدون این نمی‌توانیم در نهایت بر داعش پیروز شویم					
بر داعش پیروز شویم					



طایفه‌گرایی

❧ **شما از حضور ایران و قاسم سلیمانی در عراق انتقاد کرده‌اید.**

قاسم سلیمانی یک شخص معمولی نیست، بلکه یک مسئول بلندپایه در ایران است. من نمی‌دانم آیا ایران هم جزء ائتلاف بین‌المللی هست یا خیر و آیا بین دولت عراق و ایران توافقاتی رسمی دراین‌باره امضا شده است یا خیر؟ منظورم توافقاتی است که مجلس هم روی آن نظر داده باشد. ما به‌هرحال، از ایران تشکر می‌کنیم که به عراقی‌ها مشاوره نظامی برای مقابله با تروریست‌ها داده است. البته عراق هم مردان نظامی بزرگی دارد؛ افرادی مثل «سلطان هاشم» وزیر دفاع اسبق در زمان صدام که اگر از زندان آزاد شود، نبرد ملی علیه تروریسم به راه خواهد انداخت. من از دخالت کشورهای خارجی انتقاد کرده و می‌کنم. اما این به معنای دشمنی با ایران نیست، بلکه برعکس، من خواستار برقراری رابطه‌ای خوب و متقابل با ایران هستم. ما از همه کشورهایی که از عراق در جنگ با تروریسم

اینکه یک شیعه سکولار عرب باشی و از گرایش‌های سوسیالیستی و لیبرالیستی دفاع کنی باید جزء عجایب روزگار باشد. اینها همه تقریباً در «ایاد علاوی»، معاون فعلی رئیس‌جمهور عراق، جمع شده است؛ کسی که روزگاری نخست‌وزیر بود و بعد در انتخابات سال ۲۰۱۰ رئیس ائتلاف بزرگ «العراقیه» شد و پیروزی بزرگی به دست آورد، اما بعد، از نخست‌وزیری جا ماند و ائتلافش در پارلمان یکی از فراکسیون‌های مهم شد. بعدها خبرهایی بود که او از سیاست‌کشورش زده شده و انزوا پیشه کرده است. هم‌اکنون نیز گفته می‌شود او بدون داشتن قدرتی مشخص، فقط از اوضاع کنونی این کشور انتقاد می‌کند؛ مسئله‌ای که خودش به‌شدت آن را رد می‌کند. ایاد هاشم علاوی در این گفت‌وگو برخی از انتقاداتش را از این اوضاع بازگو می‌کند.

❧ **روند جنگ در موصل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من بارها گفته و تکرار کرده‌ام؛ یعنی از دو سال پیش که باید طرحی برای آزادسازی موصل و پس از آن داشته باشیم. این موضوع را به‌وضوح برای فرماندهان عراقی و ائتلاف بین‌المللی نیز گفته‌ام که فقدان چنین طرحی می‌تواند عواقب وخیمی را به‌دنبال داشته باشد. بارها در رسانه‌ها به‌صراحت از این موضوع سخن گفته‌ام و یادآور شده‌ام که ابتدای چنین طرحی می‌تواند تشکیل یک فرماندهی سیاسی شامل نمایندگان موصل و گروه‌های مختلف عراقی به علاوه دولت مرکزی و اقلیم کردستان و سازمان ملل متحد و برخی دیگر از سیاست‌مداران باشد، اما متأسفانه این اتفاق تابه‌حال نیفتاده است. وضعیت موصل بسیار حساس است و نبرد در آن با نبرد در «الانبار» و «صلاح‌الدین» و... تفاوت دارد. بله درست است که تابه‌حال پیشرفت‌های نظامی حاصل شده است، اما بدون تحقق پیروزی‌های سیاسی نمی‌توان بر تروریسم غلبه پیدا کرد. ما بدون این نمی‌توانیم در نهایت بر داعش پیروز شویم. پیروزی سیاسی هم زمانی به دست می‌آید که در ساختار روند سیاسی کشور تغییراتی به وجود آمده باشد و ما از آن نظام سهمیه‌بندی یا به‌حاشیه‌راندن دیگران و طایفه‌گرایی سیاسی و ریشه‌کنی [بعثی‌ها] دوری کرده باشیم. زمانی ما می‌توانیم به یک شهروند عراقی به‌عنوان اساس و پایه حرکتی نگاه کنیم که از قیدوبند اراده خارجی‌ها یا خود را خلاص کرده باشیم. بنابراین ما سه مشکل مهم داریم که عبارت است: از نزاع‌های بین‌المللی، دخالت‌های منطقه‌ای و اختلافات داخلی.

یک خطر قدیمی

❧ **آیا به گمان شما، ائتلاف بین‌المللی [به رهبری آمریکا] برای آزادسازی موصل به اندازه کافی مفید به اخراج تروریست‌ها از این شهر هست؟**

هرگز. باور ندارم که آنها هم نقشه راه روشنی داشته باشند. من نگرانم که این دور از نبردها تمام شود و به‌دنبال آن ما شاهد نبردهای دیگری باشیم. اگر امور را سر جای خودش نگذاریم یا در یک روند صحیح قرار ندهیم که موجب تحکیم وحدت جامعه باشد، بعد از خروج تروریست‌ها چه می‌شود و آنها کجا خواهند رفت؟ سرنوشت هسته‌های خاموشی که در سوریه و عراق هستند و منتظر اینک‌ه در آینده عملیات انجام دهند چه می‌شود؟ اگر برای اینها جواب روشنی نداشته باشیم، درواقع ما صفحه جدیدی را روی تروریسم گشوده‌ایم که خطرناک‌تر و بدتر از داعش خواهد بود.

❧ **دیدگاه شما درباره موصل بعد از آزادی چیست. براساس اطلاعات شما به‌عنوان معاون رئیس‌جمهوری، آیا دولت نقشه‌ای روشن برای اداره این شهر در آینده دارد؟**

هرگز. به نظرم هیچ نقشه راهی وجود ندارد یا اینکه ما را در جریان آن نگذاشته‌اند. به‌هرحال ما دیدگاه خودمان را درباره موصل تاکنون بارها بیان کرده‌ایم.

جنگ داخلی

❧ **ارزیابی شما درباره حضور شبه‌نظامیان و روحانیون عراقی چیست؟ من به دولت و نهادهای دولتی اعتقاد دارم و به دین هم احترام می‌گذارم، اما معتقدم که دخالت دین در سیاست به ضرر دین و دولت است. کار مهم روحانیون ارشاد و دفاع از ارزش‌های جامعه است. من به هر شکل با سیاسی‌کردن دین مخالفم.**

❧ **تعدد نهادهای نظامی و پخش شدن سلاح در دست عشایر و طوایف را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این امر منجر به یک جنگ داخلی در آینده نخواهد شد؟**

متأسفانه این جنگ داخلی اکنون نیز در عراق جریان دارد.

❧ **چرا ایاد علاوی، نیروی نظامی ندارد، آن هم در کشوری که هر گروه سیاسی برای خود ارتشی دارد؟**

من یک پزشک و سیاست‌مدار هستم، نه شبهه‌نظامی. ظاهر و باطن